ایران فرهنگی | http://irannewspaper.ir | editorial@irannewspaper.ir

■ گفت‌وگو را با پرسش درباره وعده «جی. کی.رولینگ» در اوضاع‌واحوال فعلی آغاز کنیم؛ همان ماه‌های ابتدایی شیوع کرونا او وعده انتشار کتابی رایگان برای همه کودکان جهان را داده بود. کتابی که گویا برای فرزندان خودش نوشته بوده؛ انتشار آن فقط به فضای مجازی محدود شد یا نسخه چاپی‌اش هم درراه است؟

رولینگ این کار را برای کودکان سراسر جهان انجام داد که به تبع شرایط ،ناچار به خانه نشینی شده اند؛ ماجرای این داستان به قصه‌ای بازمی‌گردد که سال‌ها پیش برای کودکان خودش می‌گفته است. البته پیش‌تر بخشی از «ایکه باگ» (Ickabog) را نوشته و نیمه‌کاره رها کرده بود که همراه با شیوع کرونا تصمیم به اتمام آن و انتشار هفتگی‌اش در سایت خودش (www.theickabog.com) می‌گیرد.

■ برای همین کتاب مسابقه‌ای میان خود بچه‌ها ترتیب داد که شخصیت‌های اصلی داستان را کشیده و بفرستند؟

بله و این نکته جالب‌توجه داستان «ایکه باگ» است؛ رولینگ درباره این مسابقه در وب‌سایت خود نوشت و از همه کودکان و نوجوانان جهان برای تصویرگری شخصیت‌های اصلی آن دعوت کرد. درنهایت هم نقاشی منتخب را از میان آثار ارسالی کشورهای مختلف اعلام کرد، نسخه الکترونیکی کتاب با استفاده از همین نقاشی‌ها منتشر شد. نسخه چاپی کتاب هنوز منتشرنشده اما انتشار آن در سایت جی.کی. رولینگ و همچنین نسخه الکترونیکی آن در سطح جهانی که با استقبال خوبی روبه‌رو شده است. من هم ترجمه داستان «ایکه باگ» را از روی همین کتاب انجام دادم؛ این کتاب برای من تجربه جالبی بود چراکه آن را با همکاری دخترم ترجمه کردم که بزودی منتشرمی‌شود.

■ اسم کتاب تغییری نکرده؟ و اینکه همچنان درحال‌وهوای ادبیات فانتزی است؟

نه، چراکه «ایکه باگ» نام یکی از شخصیت‌های این داستان است؛ داستان این کتاب تقریباً در حال و هوای ادبیات فانتزی و قصه جن و پری‌ها قرار می‌گیرد. باوجود آنکه کتاب برای گروه سنی کودک است اما دربردارنده آموزش سیاسی-اجتماعی است؛ رولینگ در«ایکه باگ» بحث سوءاستفاده از قدرت و تبعاتی که غفلت مسئولان را در پی دارد،عنوان کرده است.

■ «سفیدی مرگبار» آخرین رمانی است که سال جاری به ترجمه شما از «رولینگ» در اختیار مخاطبان ایرانی قرارگرفته؛ این کتاب چهارمین جلد از پنج‌گانه پلیسی خالق هری پاتر است؟

بله، چهارمین جلد از مجموعه داستان‌های «کارآگاه کورمورن استرایک» است؛ البته پنج گانه نخواهد بود؛ ابتدا چنین بحثی مطرح شد اما آن‌طور که به نقل از «رولینگ» خوانده‌ام قرار شده تا سیزده جلد ادامه پیدا کند.

■ ایکه باگ برخلاف آنچه از کتاب‌های گروه سنی کودک انتظار داریم برخوردار از پیش‌زمینه سیاسی یا حداقل پیام سیاسی است؛ درست شبیه همین رمان «سفیدی مرگبار» که از مجموعه آثار پلیسی «رولینگ» است. بازرس ویژه‌ای که نقش اصلی را ایفا می‌کند طی مأموریتی در افغانستان دچار معلولیت شده و... به نظر می‌رسد «رولینگ» در کنار دنیای فانتزی و پرداخت به مسائلی همچون جادو به سیاست هم علاقه بسیاری دارد!

نه‌تنها به مسائل سیاسی، بلکه به مسائل روز جهان هم توجه بسیاری دارد. حتی از این بابت می‌توان او را نویسنده‌ای دقیق و تیزبین دانست که بی‌تفاوت از اطراف خود نمی‌گذرد.

■ و طی همین ایام، یکی از اظهارنظرهای او درباره «ترنس سکشوال ها» واکنش‌های منفی مخاطبان را در پی داشت!

بله و همین مسأله گویا توجهی است که به مسائل روز جهان دارد؛ طی ماه‌های اخیر «رولینگ» متهم به نادیده گرفتن ترنس سکشوال‌ها و... شد. هرچند که اگر به سراغ همین مجموعه داستان‌های «کارآگاه کورمورن استرایک» بروید می‌بینید که در خلال روایت‌ها وماجراها به این افراد هم به‌عنوان جزئی از جامعه پرداخته است. من برخورد مخاطبان خارجی و مطالبی را که در توئیتر و دیگر شبکه‌های اجتماعی منتشر شد، قدری تعصب‌آمیز می‌دانم.

■ از آنجایی که شخصیت اصلی «خون دردسرساز»، پنجمین رمان از این مجموعه قاتلی زنانه پوش است، مخاطبان منتقد آن را کتابی ضد ترنس سکشوال‌ها خواندند. این مسأله تأثیری در فروش جهانی کتاب به جای گذاشت؟

در کنار حاشیه‌هایی که اظهار نظر رولینگ متوجه‌اش ساخت اما استقبال خیلی خوبی از این کتاب شد و حتی در زمره پرفروش‌ها قرار گرفت. ازآنجایی که این روزها در حال ترجمه همین کتاب هستم و بیشتر در جریان داستان آن قرارگرفته‌ام چنین نقدی را متوجه «خون دردسرساز» نمی‌دانم.

«خون دردسرساز» درباره پرونده تازه‌ای است که کارآگاه داستان به‌دست می‌گیرد؛ ماجرای پزشک زنی که چهل سال قبل مفقود شده و حالا پرونده پیگیری اش شکل می‌گیرد. داستان بازگشت‌هایی به زمان گذشته دارد واینجا دیگر بحث مسائل سیاسی یا استفاده از سیاست به‌عنوان بستر رمان نیست. به احتمال بسیار این کتاب تابستان سال آینده منتشر می‌شود.

■ استقبال مخاطبان از مجموعه رمان‌های پلیسی- جنایی رولینگ، چقدر تحت تأثیر شهرتی است که از طریق مجموعه «هری پاتر» کسب کرده؟

پیش‌تر از استقبال سینماگران از هری پاتر، کتاب‌های رولینگ به شهرتی جهانی راه‌یافته و فروش فوق‌العاده‌ای هم پیدا کردند. البته فیلم‌های مجموعه هری پاتر هم معرفی هرچه بیشتر رولینگ را سبب شدند. شاید اگر بخواهم فارغ از تعصب صحبت کنم این کمک دوسویه بوده است.

■ از اثرگذاری مجموعه هری پاتر در عرصه جهانی هرازگاهی شنیده و خوانده‌ایم؛ کودکان و نوجوانانی که آنقدر تحت تأثیر «هری پاتر» قرار گرفته‌اند که در انتظار دریافت نامه‌ای از مدرسه جادوگری هاگوارتز هستند و... اما درباره اثرگذاری آن برخوانندگان ایرانی کمتر صحبت شده است.

چطور می‌شود عده‌ای بدون تماشای فلان فیلم یا کتاب، تنها به استناد برخی شنیده‌ها یا تصورات خود به مخالفت برخیزند. من درنهایت از آنان می‌خواستم کتاب را بخوانند تا ببینند رولینگ از بحث جادو برای جذابیت کار خود و از سویی به تصویر کشیدن همان بحث قدیمی تقابل خیر و شر بهره گرفته است. استفاده رولینگ از جادو با تصوراتی که در فرهنگ‌های مختلف از جادو شکل گرفته زمین تا آسمان فرق دارد و تنها کاربردی فانتزی دارد.

■ بحث به تصویر کشیدن تقابل خیر و شر در آثار «رولینگ» به‌میان آمد؛ استفاده این‌چنینی از جادو در آثار ادبی اتفاق تازه‌ای نیست اما چه اتفاقی رخ داد که او توانست همین موضوع تکراری را به‌گونه‌ای در قالب رمان درآورد که از آنها چنین استقبالی شود؟

شاید بخشی از جواب این سؤال را بتوان در احاطه رولینگ به ادبیات کلاسیک و بویژه اسطوره‌ها دانست. برخلاف ما ایرانیان که توجه چندانی به گنجینه‌های ادبی‌مان نداریم، او متوجه قدرت این ابزار بود و خیلی هم متبحرانه از آن بهره گرفت. رولینگ در تألیف مجموعه رمان «هری پاتر» دست به خلق دنیایی تازه والبته بسیار کامل زد؛ دنیایی

گفت‌وگوی «ایران» با ویدا اسلامیه مترجم آثار «جی.کی.رولینگ»

هیچ‌کسی نمی‌تواند مدعی ترجمه‌عینی اثر شود

مریم شهبازی
خبرنگار

تصور مردم به‌صف ایستاده، آن‌هم پشت در کتاب فروشی اتفاق عجیبی است؛ حداقل برای ما ایرانی‌ها! البته نه که بگویم ما کتاب نمی خوانیم؛ بلکه بحث این است که هنوز با سرانه مطلوب مطالعه و آنچه در برخی کشورها شاهد هستیم فاصله داریم. بااین حال هرازگاهی در اطراف خودمان هم فارغ از صف‌های طولانی برای حراج فلان برند مشهور کیف یا لباس، درباره کتاب هم چنین صحنه‌هایی را می‌توان دید. شبیه خاطره «ویدا اسلامیه»، تنها مترجم رسمی آثار«جی.کی.رولینگ» در کشورمان که می‌گوید: «حدود دوازده، شاید هم پانزده سال قبل بود. روزی که قرار شد ترجمه‌ام از آخرین جلد مجموعه «هری پاتر» از طریق کتاب‌فروشی کتاب‌سرای تندیس عرضه شود به‌یک‌باره با صفی طولانی از علاقه‌مندان روبه‌رو شدیم. بیشتر شبیه صحنه‌هایی بود که در خبرهای خارجی و اخبار دیده‌ایم! ایستاده بودند تا کتاب موردعلاقه‌شان را بخرند! آن‌قدر شگفت‌زده شدم که عکس‌های آن استقبال را از طریق انتشارات «بلومزبری» به دست خانم رولینگ هم رساندم تا بداند ایرانی‌ها هم او را می‌شناسند.». طی دو دهه اخیر از اسلامیه حدود پنجاه ترجمه منتشرشده که نزدیک به ۳۰ عنوان آنها نوشته‌های رولینگ هستند؛ ازهمین رو درعرصه کتاب او را بیش ازهمه به ترجمه‌هایی از این نویسنده مشهور انگلیسی می‌شناسند. در گفت‌وگوی ما با ویدا اسلامیه درباره حاشیه‌های اخیر«جی.کی.رولینگ»، کتابی که در دوران کرونا به رایگان در اختیار کودکان جهان گذاشته وهمچنین دیگر نوشته‌های او می خوانید.

رولینگ نویسنده‌ای بسیار توانا و خلاق است؛ رمان‌های پلیسی‌اش حتی بدون کمک شهرت برآمده از «هری پاتر» هم توجه مخاطبان را جلب می‌کردند. البته این فقط عقیده من نیست ومنتقدان خارجی هم چنین نظری دارند. رولینگ عاشق نوشتن است و شاید همین علاقه بی‌اندازه است که همراه با نبوغ ذاتی اش چنین جایگاهی به او بخشیده؛ حالا فرقی ندارد که سراغ فضای رئال برود یا آثاری با حال و هوای فانتزی و سوررئال بنویسد.

■ تا پیش از این که مردم به هویت واقعی اش درباره آثاری که با نام مستعار «روبرت گالبریث» نوشت پی ببرند استقبال آنها چطور بود؟

فرصت چندانی برای محک زدن کار خود در عرصه تازه‌ای که به آن قدم گذاشته بود پیدا نکرد؛ خیلی زود مردم ومنتقدان از سبک نوشتاری اش متوجه شدند که با نوشته‌ای از خود رولینگ روبه‌رو هستند، اما نکته‌ای که بهتر است فراموش نکنیم این است که شهرت قبلی به‌تنهایی نمی‌تواند مخاطبان را پای هیچ کتاب یا اثر هنری نگه دارد. به‌نظرم رولینگ در ورود به ادبیات بزرگسال، آن‌هم حوزه‌ای تا این اندازه متفاوت ازآنچه به آن مشهور شده نیازمند صرف جسارت زیادی بوده است. او طی تمام این سال‌ها نشان داد که خلاقیت و توانایی در کار نویسندگی انتهایی ندارد.

■ رولینگ چقدر بر دنیای ادبیات فانتزی جهان اثر گذاشته است؟

توجه به ادبیات فانتزی و حتی بهره‌مندی از جادو به‌عنوان عنصری برای جذابیت رمان‌ها و مجموعه داستان‌ها اتفاقی نیست که آن را تنها به «رولینگ» محدود کنیم. پیش‌از او هم آثار متعددی خلق‌شده بود که حتی خود رولینگ هم از آنها بهره گرفته و حتی تحت تأثیرشان قرار گرفته که از آن جمله می‌توان به ارباب حلقه‌ها اشاره کرد، اما تاجایی که من طی این دهه‌ها متوجه شده‌ام و حتی در کتاب‌فروشی‌های آنلاین همچون آمازون دیده‌ام، انتشار مجموعه رمان هری پاتر جان دوباره و تنوع بیشتری به ادبیات این حوزه بخشید.

■ بخش اعظمی از نوشته‌های «رولینگ» به عرصه سینما هم راه‌یافته؛ بویژه مجموعه هری پاتر. با این تفاسیر سینما به کمک رولینگ رفته یا رولینگ رهاوردی خوب برای سینمای جهان به‌دنبال داشته است؟

سؤال سختی است؛ به گمانم این رولینگ بوده که به کمک سینما رفته چراکه خیلی معتقدم این اثرگذاری در ایران هم قابل‌توجه بوده است؛ تا قبل از تعطیلی نمایشگاه کتاب تهران در سال جاری، اغلب سال‌ها در خلال برپایی نمایشگاه کتاب کمابیش فرصتی برای تعامل با نوجوانان پیدا می‌کردم و برای من جالب بود که می‌دیدم چقدر از داستان‌های رولینگ تأثیر پذیرفته‌اند. البته برای همه آنان امکان حضور در نمایشگاه کتاب فراهم نبود و برخی از آنها حتی به ایمیل زدن متوسل می‌شدند یا در اینستاگرام پیام می‌دادند. این اثرگذاری در حیطه کشور خودمان چند دهه متوالی را شامل می‌شود، نخستین خوانندگان هری پاتر به ترجمه من حالا بیشتر از ۳۰ سال دارند.

■ در عرصه جهانی و در ابتدای شهرت «رولینگ» ازسوی برخی چهره‌های مذهبی مخالفت‌هایی با مجموعه «هری پاتر» شد؛ برخی تأکید داشتند که این کتاب‌ها رواج خرافه و ترویج مسائلی همچون جادوگری را به‌دنبال دارد. در ایران هم ترجمه‌های شما از «هری پاتر» با چنین نقدهایی روبه‌رو شد؟

ابتدای انتشار آثار رولینگ در کشورمان خودمان هم با چنین نقدهایی روبه‌رو شدیم و برخی بشدت مخالف انتشار آنها بودند. متأسفانه پای گفته‌های اغلب این افراد که می‌نشستم متوجه می‌شدم بی‌آنکه حتی یک‌مرتبه کتاب را خوانده باشند در برابر آن گارد گرفته‌اند. نمی‌دانم که کافی است دست به مطالعه‌اش بزنید تا به یکباره خود را جزئی از آن ببینید چراکه «رولینگ» به هنرمندی هرچه تمام و با ذکر جزئیاتی کامل در خلال داستان‌ها به تصویر کشیده است. او در شخصیت‌پردازی‌ها هم بسیار قوی عمل کرده؛ خود من وقتی‌که شخصیت «دامبلدور» مرد، گریه کردم بااینکه می‌دانستم در عالم واقعی مصداقی ندارد و کاملاً ساخته‌وپرداخته ذهن نویسنده‌اش است.

■ قدری هم ازدشواری‌های ترجمه آثار خانم رولینگ بگویید؛ بویژه در ارتباط با مجموعه «هری پاتر» که مملو از اصطلاحات خاص است. در بازگردان اینها به فارسی دچار مشکل نشدید؟

ترجمه آثار «رولینگ» در ابتدای امر کار بسیار دشواری بود؛ بویژه که آن سال‌ها برخلاف زمان حاضر خبر چندانی از امکاناتی که تکنولوژی‌های ارتباطی در اختیار مترجمان می‌گذارند نبود. نهایت امکاناتی که در اختیار داشتم چند دیکشنری آکسفورد، لانگمن و... بود. وقتی شنیدم قرار است این مجموعه تا هفت جلد ادامه پیدا کند فهمیدم که راه سختی درپیش دارم؛ تازه این در شرایطی است که وقتی مترجم به‌طور تخصصی روی آثار یک نویسنده متمرکز می‌شود به مرور نکات نامفهوم کمتری در مقابلش قرار می‌گیرد. از همان چند کتاب نخست متوجه شدم که با نویسنده‌ای خلاق طرف هستم که مشکلات کارم را چند برابر می‌کند. «رولینگ» هنوز هم بعد از سال‌ها من را شگفت‌زده می‌کند. نه‌فقط از اصطلاحات استفاده زیادی می‌کند بلکه دست به واژه‌سازی زده و این همان‌جایی است که کار من مترجم سخت می‌شد چراکه باید با آن امکانات محدود تلاش می‌کردم بفهمم بحث واژه‌ای انگلیسی درمیان است یا خودش چیزی ساخته!

■ پس ویژگی بارز خانم رولینگ تنها به مضمون آثار او محدود نمی‌شود و حیطه ساختاری زبان را هم دربر می‌گیرد؟

بله، حتی گاهی اوقات با نحوه نوشتن کلمات بازی می‌کند، بویژه در همان مجموعه «هری پاتر» و گاهی هم معنی کلمات را به میل خودش تغییر می‌دهد. وقتی با کلماتی روبه‌رو می‌شدم که در هیچ‌کدام از دیکشنری‌ها اثری از آنها نبود، متوجه می‌شدم که ساخته خودش هستند و به‌ناچار باید معادلی فارسی برای آنها پیدا می‌کردم.

■ بااین حساب چقدر می‌توانید مدعی وفاداری به اصل نوشته‌های «رولینگ» بشوید؟

هیچ مترجمی نمی‌تواند مدعی ترجمه عینی اثر شود؛ بویژه وقتی بحث بازی‌های زبانی نویسنده در میان باشد. ترجمه خواه‌ناخواه از اصل اثر و برخی لطف‌های زبانی و حتی انتقال حال و هواها جا می‌ماند.

■ خانم اسلامیه شما را مترجم رسمی آثار «جی.کی.رولینگ» در ایران می‌دانند؛ این حق رایت از خود نویسنده و ناشر اصلی است؟

از طریق تعامل با «بلومزبری» که ناشر کتاب‌های «رولینگ» است موفق به کسب حق کپی‌رایت آثار او شدیم؛ برای این منظور نیازی به گفت‌وگو با خود نویسنده نبود. اگر به سراغ سایت این مؤسسه نشر بروید اسم «کتاب‌سرای تندیس» به‌عنوان ناشر و نام من هم به‌عنوان مترجم ایرانی آثار رولینگ در آن ثبت شده است. اتفاقاً برای بررسی صلاحیت مترجم و ناشر، نخستین کتاب را که برای آنان فرستادیم زمان قابل‌توجهی صرف بررسی‌اش کردند تا درنهایت تأیید انتشارات «بلومزبری» را گرفتیم.

■ گفت‌وگو را با سؤالی درباره آشفتگی بازار نشر درباره کتاب‌هایی که معمولاً در شمار پرفروش‌ها یا همان «bestseller»ها قرار می‌گیرند به اتمام برسانیم؛ در خصوص همین مجموعه «هری پاتر» بارها شاهد ترجمه‌های گروهی از سوی برخی ناشران و شکل‌گیری مسابقه‌ای برای انتشار هرچه سریع‌تر آثار بودیم؛ این قبیل اقدامات چقدر به نشر لطمه می‌زند؟

متأسفانه نه فقط عرصه نشرمان آسیب می‌بیند بلکه حتی خواننده هم بدبین می‌شود. همه مردم که از شرایط کار حوزه کتاب خبر ندارند. عده‌ای از خوانندگان کار با کیفیت مترجم و ناشر را به‌حساب نویسنده اصلی می‌گذارند و چه‌بسا که دیگر تمایلی به مطالعه آثار او نشان ندهند. حتی فراتر از اینها ممکن است موجب دلسردی علاقه‌مندان از دنیای ادبیات بشود؛ این مسأله بویژه درباره آنهایی صادق است که تازه به این راه قدم گذاشته‌اند. ازآنجایی که ایران هنوز به «معاهده برن» نپیوسته، وجود ترجمه‌های متعدد از یک اثر اتفاق عجیبی نیست و اگر ترجمه‌های موجود کارهایی قوی باشند ایرادی ندارد، دست مخاطب در انتخاب بازخواهد بود، اما مشکل وقتی است که برخی مترجمان و ناشران این کار را همچون یک مسابقه می‌بینند و هر کاری برای جا نماندن از آن انجام می‌دهند.

برش

از اتاق زیر شیروانی تا فهرست پرفروش‌ترین آثار ادبی جهان

تا همین یکی- دو سال پیش «جی.کی.رولینگ»، خالق مجموعه هری پاتر به‌نقل از نشریه «فوربس» ثروتمندترین نویسنده جهان بود. حالا شاید این آمار قدری تغییر کرده باشد، بااین‌حال هنوزهم او در شمار ثروتمندترین نویسندگان است. البته شهرت این نویسنده انگلیسی تنها به عرصه کتاب محدود نمی‌شود؛ سال ۲۰۰۷ او از نگاه مجله «تایم» بعد از«ولادیمیر پوتین» و در رتبه دومین چهره اثرگذار آن سال جهان انتخاب شد. اما این زن که اغلبمان او را به مدرسه جادوگری «هاگوارتز» و چندگانه‌اش از «هری پاتر» می‌شناسیم کی و چطور نویسندگی را درپیش گرفت؟ همه‌چیز از آن اتاق زیرشیروانی شروع شد؛ زنی غمگین، سرخورده از عشقی نافرجام که در اوج فقر خود را همراه دختر کوچکش در برابر روزگاری سخت می‌دید. از افسردگی شدیدی رنج می‌برد آنقدر که حتی به خودکشی هم‌فکر می‌کرد؛ بااین‌حال تصمیم گرفت کتاب نیمه‌کاره‌ای که چندین سال قبل ایده‌اش را در سر پرورانده و حتی بخشی از آن را نوشته بود تمام کند. در سخت‌ترین شرایط، درحالی‌که حتی بدون همراهی دولت از پس نگهداری دخترش برنمی‌آمد نوشتن را از سر گرفت. پنج سالی طول کشید تا تمام شد؛ هرچند که این تازه ابتدای راه بود. کتاب را به هر ناشری که می‌داد نتیجه‌ای جز تحقیرش را به‌دنبال نداشت؛ بعداز ۱۲ ناشر که به بدترین شکل او را رد کردند سراغ انتشارات «بلومزبری» رفت و «هری پاتر و سنگ جادو» را به مبلغ ۴ هزار دلار فروخت! سال ۱۹۹۷ کتاب منتشر شد و به‌یک‌باره توجه همه، حتی ناشران امریکایی به «رولینگ» جلب شد و همان‌هایی که حتی نمی‌خواستند نگاهی به نوشته‌اش بیندازند برای جلب نظرش می‌جنگیدند. مجموعه هری پاتر به مرور منتشر شد؛ «هری پاتر و سنگ آرتین»، «هری پاتر و تالار اسرار»، «هری پاتر و زندانی آزکابان»، «هری پاتر و جام آتش»، «هری پاتر و محفل ققنوس»، «هری پاتر و شاهزاده دورگه»، «هری پاتر و یادگاران مرگ۱»، «هری پاتر و یادگاران مرگ ۲»و البته «هری پاتر و فرزند نفرین‌شده» که در قالب نمایشنامه و تئاتر پیش روی مخاطبان قرار گرفت. همه این کتاب‌ها در قالب مجموعه‌ای هشت‌قسمتی از سوی «برادران وارنر» به سینما هم راه یافته‌اند که کتاب هفتم در دو قسمت ساخته شده است. امروز«هری پاتر» را به‌عنوان پرفروش‌ترین مجموعه تمام دوران سینمای جهان می‌دانند؛ هرچند که آثار رولینگ در قالب کتاب هم در جایگاه پرفروش‌ترین‌های تاریخ هستند؛ آثاری از نویسنده‌ای که تا به امروز در هر حوزه‌ای قدم گذاشته موفق عمل کرده است. سی و یکم ژوئیه یا همان نهم مردادماه، تابستانی که گذشت سی‌وچهارسالگی «هری پاتر»یازده ساله بود؛ ۱۱ سال بیشتر نداشت که سراز دنیای ادبیات درآورد و به یکی از مشهورترین‌ها تبدیل شد. سی و یکم ژوئیه برابر با سالروز تولد خالقش هم هست و اینکه حتی ویدا اسلامیه، مترجم رسمی ایرانی آثار رولینگ هم متولد همین روز است.

امیر رجبی/ ایران